



# موارد تحدید و عدول از اصول حقوق کیفری و اصول اخلاقی در طرق تحصیل دلیل جرایم علیه امنیت با مبنای مصلحت

دکتر مصطفی عزیزی ارشد\*، دکتر اکبر وروایی، دکتر محمد جواد جعفری، دکتر مسعود قاسمی  
گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران  
(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۵)

## چکیده

**زمینه:** در حقوق جزای اختصاصی، جرایم امنیتی بدلیل آثار زاینبار عمومی برای کل جامعه و کشور از اهمیت ویژه ای برخوردارند. یکی از این موارد تحصیل دلیل در جرایم علیه امنیت می باشد که چگونگی و روش کشف و تحقیق از مرتکبان جرایم علیه امنیت با سایر جرایم متفاوت می باشد. هدف تبیین موارد تحدید و عدول از اصول حقوق کیفری و اصول اخلاقی در طرق تحصیل دلیل جرایم علیه امنیت بر مبنای مصلحت می باشد.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این بررسی نشان می دهد با توجه به تاکید شارع و قانونگذار به ضرورت تحصیل دلیل، از طرق قانونی و مشروع در تمامی جرایم، از جمله جرایم علیه امنیت، به دلایلی مثل؛ مصلحت، اضطرار، ضرورت حفظ نظم و امنیت جامعه، دفع افسد به فاسد، انتخاب بد از بدتر و... ضابطان و مقامات قضایی بتوانند دلایل ارتکاب جرم را که شواهد قوی و متقنی بر ارتکاب آن وجود دارد را کشف نموده و عدالت و نظم و امنیت را در جامعه برقرار سازند. دولت ها در زمینه واکنش نسبت به این جرائم و در عرصه چالش میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی، معمولا در جهت تضمین حقوق حاکمیت (یعنی تضمین حقوق خودشان) گام بر می دارند و در همین راستا همانطور که قبلا اشاره شد بعضا از اصول کلی و پذیرفته شده حقوق اخلاقی و جزا عدول می کنند.

کلیدواژگان: حقوق اخلاقی، حقوق کیفری، امنیت عمومی، مصلحت

## سر آغاز

امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله تعریف شده است و در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی به کار می رود. به گونه ای که امنیت فردی حالت فراغت یک فرد از تهدید و حمله، امنیت اجتماعی<sup>۱</sup>، حالت فراغت همگانی از تهدید، امنیت ملی، حالت فراغتی از تهدید یک ملت و امنیت بین المللی حالت فراغت از تهدید قدرتها در صحنه بین المللی است (۱). یکی از موضوعات مهم در در فلسفه حقوق<sup>۲</sup> که دارای قدمت بسیاری هم می باشد، موضوع تقابل حقوق شهروندی<sup>۳</sup> و حفظ نظم و امنیت جامعه می باشد. آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آنها در نظر می گیرد (۲)، و این آگاهی دارای جنبه های مختلفی از قبیل آگاهی اجتماعی، آگاهی

فرهنگی و آگاهی حقوقی و اخلاقی ... است (۳). آگاهی شهروندی، به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و از اصول حقوق اخلاقی و کیفری در قبال شهروندان، و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تکالیف شان است (۴) چنانچه می دانیم کارکرد اساسی حقوق کیفری حفظ تعادل بین مبانی سه گانه خود، یعنی؛ عدالت، حقوق شهروندی و حفظ نظم و امنیت است. همانطور اشاره شده در جرایم علیه امنیت بدلیل حساسیت های فراوان امنیتی و همچنین ضرر های کلان و در برخی موارد غیر قابل جبران این جرایم بر پیکره جامعه و افراد آن به حدی است که علاوه بر تجویز قانونگذار در قانون اساسی و قوانین عادی، عقل سلیم نیز موید تحدید برخی از حقوق متهمان و مضمونان این جرایم است. بر همین اساس قانونگذار در اصل ۲۵ قانون اساسی اشعار می دارد: اصل ۲۵ قانون اساسی «بازرسی و نرساندن نامه ها،

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: aziziarshad@yahoo.com

ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی و افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون. با توجه به این مقدمه در بند بعدی به ضرورت این موضوع پرداخته می شود. بسیار بیش از آن میزان که دولت ها در قلمرو مسائل شخصی و اخلاقی، به جهت رعایت «حقوق شهروندی و آزادیهای مشروع افراد جامعه، رویکرد حداقلی<sup>۴</sup> و اصل مداخله کمینه حقوق کیفری را در پیش گرفته اند، در حوزه اعمال زیانبار علیه امنیت، به خاطر حفظ نظم عمومی و ایجاد ثبات در حاکمیت سیاسی، به جرم انگاری حد اکثری<sup>۵</sup> روی آورده و بعضاً در مورد این جرائم از اصول کلی و تثبیت شده قانون حقوق جزا<sup>۶</sup> عدول کرده اند. مطابق این گسترش مفهومی نه تنها جرمی که ضررش مستقیماً متوجه حکومت باشد جرم علیه امنیت است، بلکه هر جرمی که با این هدف یعنی انگیزه آسیب رساندن به موجودیت حکومت واقع شود نیز جرم علیه امنیت محسوب می شود ولو زیان دیده مستقیم آن حکومت نباشد. به عنوان مثال جرمی چون جاسوسی بنا بر دیدگاه عینی (نتیجه جرم) یک جرم علیه امنیت است، اما جعل اسکناس ابتدائاً جرمی علیه ملت و شهروندان است که اگر هدف آن آسیب به حکومت باشد (دیدگاه ذهنی) در زمره جرائم علیه امنیت قرار می گیرد. همانگونه که در جرائم دسته اول فقط نتیجه مهم است و انگیزه اهمیتی ندارد (مثلاً جاسوسی باهدف کسب سود از ذینفع آن نیز جرم علیه امنیت محسوب می شود و لازم نیست انگیزه مرتکب آسیب به پیکره حکومت باشد) در دسته دوم تنها انگیزه مهم است ولو نتیجه علیه حکومت نباشد؛ بنابراین و به طور خلاصه: جرم علیه امنیت جرمی است که مستقیماً علیه موجودیت حکومت یا باهدف آسیب به موجودیت نظام حاکم علیه ملت واقع شود.

### مصادیق جرائم علیه امنیت

بنا بر اصول کلی حقوق جزا، مسوولیت کیفری نمی تواند بر کسی تحمیل شود مگر آنکه وی فعل و رفتاری را مرتکب شده باشد (۵). خارج از قانون مجازات اسلامی و در قوانین متفرقه کیفری می توان مصادیقی از جرائم علیه امنیت را یافت. واقعیت آن است که برخلاف جرائم در قلمرو مسائل شخصی یا اخلاقی که دولتها برحسب رعایت آزادیهای فردی، استراتژی عقب نشینی و عدم مداخله را در پیش گرفته اند در حوزه اعمال ضرر بار امنیتی، به خاطر ایجاد ثبات در نظم عمومی و حاکمیت سیاسی به جرم انگاری حداکثری و توسعه طلب روی آورده اند (۶) اگرچه ممکن است در قوانین سایر کشورها نیز چنین وضعیتی مشاهده شود، اما این مطلب یعنی رویه شدن نقض اصول لزوماً به معنای مشروعیت آن نباید باشد به نظر برخی در راهبرهای افتراقی رویکردهای امنیت مدار اخیر نیز تمرکز بر نوع خاصی از مجرمین به اصطلاح پرخطر است. (۷) حال آنکه در موضوع بحث فعلی نوع جرم (علیه امنیت کشور بودن) تعیین کننده است، حال مجرم

هر شخصیتی داشته باشد تفاوتی نمی کند؛ زیرا در جرم شناختی عمل مجرمانه به عنوان نسل سوم جرم شناسی فعل مجرمانه بدون توجه به ویژگی های شخصیتی، روان شناختی و جامعه شناختی مرتکب آن مطالعه می شود. (۸) در این مقاله با این پیش فرض که قانونگذار پس از انقلاب به این موارد نقض افزوده است - در قوانین مجازات اسلامی ۱۳۷۰، ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ نیز قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این موضوع سیر صعودی داشته و با توجه به اینکه سختگیری در این جرائم با میزان ثبات ملی رابطه معکوس دارد، ظاهراً هر چه نقض حقوق فردی در تقابل با امنیت ملی بیشتر باشد آسیب پذیری بیشتر امنیت ملی را متبادر می نماید - اصلاح این جهتگیری را گوشزد خواهیم کرد؛ چه بقای درازمدت نظام با رعایت اصول و مبانی عدالت کیفری امکانپذیر است و توسل به مفهوم مصلحت عمومی در این زمینه اگر جایگاهی داشته باشد لاقبل بدون رعایت محدودیتها و شرایط آن جایگاهی ندارد.

### حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی در ارتباط با جرائم علیه امنیت

امروزه «حقوق شهروندی» از بارزترین مفاهیمی به شمار می رود که توانسته است مفهوم سنتی «حاکمیت» را دگرگون سازد و مفهوم نسبی از حاکمیت را به اثبات برساند. (۹) به تعبیر دیگر رعایت حقوق بنیادین و شهروندی انسان «به محدودیتی سترگ برای حاکمیت های قانونی تبدیل شده است، زیرا حاکمیت از این حقوق (شهروندی) نیز رهاورد حکومت قانون است». (۱۰) و زیانباری که اینگونه جرائم می تواند برای نظم عمومی، استقلال و حاکمیت کشور داشته باشد، دولت ها در زمینه واکنش نسبت به این جرائم و در عرصه چالش میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی، معمولاً در جهت تضمین حقوق حاکمیت (یعنی تضمین حقوق خودشان) گام بر می دارند و در همین راستا همانطور که قبلاً اشاره شد بعضاً از اصول کلی و پذیرفته شده حقوق اخلاقی و جزا عدول می کنند. بدون شک یکی از شیوه های محدود ساختن حقوق شهروندی و آزادیهای فردی، توسعه قلمرو جرم انگاری و افزایش مداخله حقوق کیفری است. توسعه ابعاد متعدد و متنوع جرم انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران نشان می دهد که قانون گذار به دلایل مختلف گاه از اصل استفاده حداقلی و کمینه از مداخله کیفری غافل شده است. هرچند توسعه قلمرو جرم انگاری در زمینه جرائم علیه امنیت داری جلوه های متعددی است ولی در نوشتار حاضر تنها به موارد و مصادیق مهم تر اکتفا می شود. از جمله این موارد آن است که قانون گذار برخلاف اصول قانون حقوق جزا<sup>۱</sup>، در حوزه جرائم علیه امنیت اقدام به جرم انگاری اعمالی نموده که تنها در مرحله «اندیشه مجرمانه» و یا «اعمال مقدماتی» قرار دارند. در حالی که احترام به حقوق شهروندی و آزادی های فردی و پرهیز از خدشه دار کردن آنها ایجاب می نماید تا افراد جامعه به دلیل برخورداری از اندیشه مجرمانه و انجام اعمال مقدماتی مورد محاکمه و مجازات قرار



رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز دیگر به دستورات مافوق یا شرایط استثنایی نظیر حالت جنگ یا تهدید به جنگ، تهدید امنیت ملی، بی ثباتی سیاسی داخلی یا هر ضرورت عمومی دیگر استناد کند» (۱۸). اما با وجود تلاش های بین المللی و اجماع جهانی در محکوم کردن توسل به شکنجه در گوشه و کنار جهان، پاره ای از دولت ها بر آن شدند تا با این دستاویز که در صورت ضرورت حفظ جان انسانهای بی گناه، از رهگذر شکنجه، اقدام به این عمل موجه است، در جهت مشروع جلوه دادن این عمل در پاره ای موارد دست به اقداماتی زده اند که از آن به «سناریوی بمب ساعتی»<sup>۱۲</sup> تعبیر کرده اند. سناریوی بمب ساعتی به مواردی اشاره دارد که در آنها یک حمله مرگبار و وحشت ناک علیه تمامیت جسمانی انسانهای بی گناه در حال وقوع است و تنها راه جلوگیری از آن کسب اطلاع از فرد مظنون است. (۱۹) بدین ترتیب می توان گفت، گاه در حوزه جرائم علیه امنیت، تضمین امنیت حقوقی - قضایی، یعنی رعایت حقوق شهروندی و آزادی های افراد جامعه و حقوق مظنون، متهم و مجرم تحت الشعاع تضمین نظم و امنیت عمومی و حفظ حقوق حاکمیت قرار گرفته است. به عبارت دیگر ملاحظات تأمین امنیت داخلی در برابر تهدیدات مرتکبان جرائم علیه امنیت، در عمل دستاوردهای حقوق بشری و به ویژه حقوق شهروندی را کمرنگ کرده است (۲۰).

### دسته بندی مجازات ها بر اساس هدف

در دسته بندی زیر یک هدف اصلی برای هر مجازات در نظر گرفته می شود. طبیعی است هر اقدامی به عنوان ضمانت اجرای کیفری «آثاری غیر از هدف اصلی» خود نیز همراه دارد. با این حال در نگاه به کیفر باید هدف اصلی و آثار آن را از هم تفکیک کرد. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که مجازاتهای تعزیری باید دون الحد باشد؛ بنابراین، استفاده از اعدام، حبس ابد، قطع عضو و شلاق با تعداد بالا در اختیار قانونگذار نیست. همچنین تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی یکی از مصادیق «جرائم مانع» محسوب می شود که فلسفه جرم انگاری آن، پیشگیری از وقوع جرائم شدید تر، یعنی خود جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور است (۲۱). به طور کلی در نظام کیفری کنونی ایران مجازاتهای اعمالی در حوزه تعزیرات به شرح زیر قابل تقسیم بندی هستند. به عبارت دیگر باید جرایم را در چهار گروه تقسیم کرد:

۱. جرایمی که مقابله با آنها نیازمند مجازاتهای سنگین همراه قطعیت بالاست؛ مانند جاسوسی و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم اقتصادی<sup>۳</sup>، جرایم علیه عدالت قضایی و مانند آنها. این روش در آمریکا با تکیه به نظریات تسامح صفر و حقیقت در حکم اجرا می شود (۲۲).
۲. جرایمی که مقابله با آنها نیازمند مجازاتهای قطعی با شدت متوسط است؛ مانند جرایم گرانفروشی، احتکار غیرعمده، جرایم راهنمایی و رانندگی، تجاهر به ارتکاب مجرمات شرعی و مانند آنها. (این مدل در اروپا با تکیه به نظریه قطعیت به کار یا اعمال میشود) (۲۳).

نگیرند. با این همه تقابل قاعده منع مجازات اندیشه مجرمانه صرف و اعمال مقدماتی جرم با مولفه های مهم دیگر مثل حفظ اقتدار، حاکمیت ملی، تأمین و برقراری نظم و امنیت عمومی سبب شده که قانون گذار در کشورهای مختلف در در حوزه جرائم علیه امنیت آگاه از این قاعده مهم و اساسی عدول کند. البته باید توجه داشت که در ارتباط با ایت تقابل و چالش، اگر چه همانطور که خواهیم دید در اکثر موارد، حفظ و صیانت از حقوق حاکمیت، نظم و امنیت عمومی<sup>۴</sup> از سوی قانون گذار ترجیح داده شده، ما اولاً، میزان عدول از قاعده یاد شده در تمامی نظامهای حقوقی یکسان و به یک اندازه نیست. ثانیاً، بررسی مصادیق تقنینی عدول از قاعده فوق الذکر در حوزه جرائم علیه امنیت نشان می دهد که تحولات قانونی صورت گرفته در این زمینه در برخی موارد گرایشی را در راستای بازگشت به قاعده فوق، حفظ و صیانت از آن را نشان می دهد. (۱۱)

### قواعد اخلاقی در ارتباط با جرائم علیه امنیت

با وجود تأکید قواعد اخلاقی<sup>۵</sup> بر منع شکنجه و آزار، این ابزار غیر انسانی، به ویژه به عنوان یکی از طرق اخذ اقرار از متهمان و اثبات اتهام آنان، به خصوص در جرایم مرتبط با امنیت دولتها در طول تاریخ به کار گرفته شده نزد غالب ملت ها مرسوم بوده است. شکنجه در این صورت ابزاری است برای ارباب و ممانعت از پیوستن دیگران به صفوف مبارزان و مخالفان حکومت. (۱۲) بر همین اساس شکنجه را ابزار قدرت نامیدند و آن را مشتمل بر تحقیر، فشارهای روانی و رنج های جسمی دانسته اند (۱۳). طبق ماده کنوانسیون منع شکنجه هم دولت ها ی عضو مکلف اند به نحوه اطمینان بخشی این معنا را اعلام کنند که اقرار در اثر شکنجه به هیچ وجه مدرک محسوب نمی شود و نمی تواند مورد استناد قرار گیرد، جزء علیه شخص شکنجه گر برای تعقیب او به لحاظ ارتکاب این جرم (۱۴). حق شکنجه در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱۱</sup> (۱۹۶۶) نیز به نحوه مطلق تحت حمایت قرار گرفته است. مطابق ماده ۴ میثاق، حقوقی مانند حق حیات یا شکنجه نشدن در هر شرایطی تعطیل بردار نیستند و حتی در زمان بحران و خطر فوق العاده برای موجودیت یک ملت نیز موجهی برای نادیده گرفتن و تضییع آنها نیست. بنابراین نه فقط در زمان ثبات و عادی بودن اوضاع بلکه در مواقع بحران و ناآرامی نیز حریم این حقوق محفوظ و واجب الرعایه است. (۱۵) بنابراین قانون اساسی کشور ما نیز در این خصوص موضع قاطع و بدون قید و شرطی را اتخاذ نموده و برای متخلف از این از این اصل، طبق ماده ۵۷۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی کیفر سنگینی تعیین کرده است. (۱۶) برخی از حقوق که جزء لاینفک حق زندگی و کرامت انسانی فرد می باشد و زمینه برخورداری از سایر حقوق را فراهم می سازد، در هیچ شرایطی قابل نقض نمی باشد. (۱۷) ماده ۵ نظامنامه رفتار ضابطین دادگستری مقرر می دارد: «هیچ یک از ضابطین دادگستری نمی تواند هیچ گونه شکنجه یا رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز دیگر را تحمیل یا تشویق نموده یا اجازه دهد و نیز هیچ ضابط دادگستری نمی تواند برای توجیه شکنجه یا

۳. جرایمی که مقابله چندانی نیاز ندارد و قانونگذار صرفاً به دنبال اعلام ارزش های خود است؛ مانند برخی جرایم رایانه ای خرد مثل ذخیره محتوای مجرمانه مبتذل موضوع تبصره «۱» ماده ۷۴۲ قانون تعزیرات .  
۴. جرایمی که مقابله با آنها نیازمند استفاده حداکثری از مدل «فرایند کیفر<sup>۱۴</sup>» یا «بسته مجازاتی» است که خود این نوع جرایم را می توان با توجه به شدت و قطعیت مجازات و نوع جرم به زیردسته های دیگری تقسیم کرد زیرا اغلب جرایم در این دسته می گنجد. (این روش در چین با تکیه بر نظریه مجازاتهای تصادفی اعمال می شود).

### تحلیل جرایم علیه امنیت بر اساس مدل‌های چهارگانه

در قسمت قبل بیان شد که مبانی اسلامی<sup>۱۵</sup> در خصوص مجازات ها این ظرفیت را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است که در مورد انواع جرایم سیاست کیفری مستقلی اتخاذ کند. این سیاست در مسیر بازدارندگی از ارتکاب جرایم، اصلاح فرد و جامعه و ترمیم خسارات ناشی از جرم کاملترین روش را برای مواجهه با جرم طراحی می کند (۲۴). حال سؤال این است که در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در مختصات کنونی جمهوری اسلامی ایران، با وجود دشمنی های بیرونی و درونی، کدامیک از مدل‌های چهارگانه موصوف باید مد نظر قانونگذار کیفری قرار گیرد؟ طبیعی است که هدف اصلی در جرایم علیه امنیت نه ترمیم خسارات ناشی از جرم یا اصلاح فرد که بازدارندگی است؛ زیرا در این نوع جرایم جلوگیری و پیشگیری از جرم به علت مضراتی که برای کشور همراه می آورد، غایت اصلی قانونگذار است و لازم است از جنس مجازات‌های بازدارنده در این جرایم استفاده شود. همچنین گفتیم «فرایند کیفر یا بسته مجازاتی» مجموعه ای به هم پیوسته و دارای نظم است که در آن نظام تقنینی - قضایی «انواع فایده‌ها» را از «همه اقدامات» ممکن کسب می کند بدون اینکه به دنبال هدف واحد باشد. به عبارت دیگر در مدل عمومی جرایم و مجازات‌ها، هر جرمی واکنش‌های مختلفی می طلبد که با ابزارهایی که نظام تقنینی در اختیار مقام قضایی قرار می دهد، پاسخ داده می شود؛ اما این بسته مجازاتی یا فرایند کیفر در جرایمی که قانونگذار به هر ترتیب ممکن به دنبال بازدارندگی است و با تسامح کم، فقدان حداقل نرخ جرم را نیز در آنها بر نمی تابد، کاربردی ندارد؛ زیرا در بسته مجازاتی نظام قضایی بیشترین بازدارندگی را توسط بازدارندگی اولیه (ذکر مجازات شدید در قانون و عدم اعمال آن در عمل) به دست می آورد و در مسیر قضایی مجازات قانونی را به انحای مختلف تخفیف می دهد، تبدیل می کند و اهداف دیگری چون اصلاح و تأمین و ترمیم را دنبال می کند (۲۵). در حقیقت جرایم علیه امنیت با بازدارندگی ثانویه (اعمال قطعی و حتمی مجازات قانونی) پاسخ داده می شود و ابزارهای در اختیار قاضی برای تغییر کیفر از وی سلب می شود و او ناچار به اعمال مجازات قانونی است. پس از کنار زدن تئوری بسته مجازاتی و فرایند کیفر، مدل‌های مجازاتی چهارگانه مورد استفاده قرار می گیرد. مدل عدم شدت و قطعیت مجازات و عدم شدت و عدم قطعیت مجازات نمی تواند در این مسیر قانونگذار را به هدف نزدیک کند؛ زیرا

مجرمین بالقوه با ارزیابی و هزینه - فایده کردن به این نتیجه منطقی می رسند که رنجی که در صورت دستگیری و مجازات به آنها تحمیل می شود، بسیار کمتر از فواید احتمالی است که به دنبال آن هستند و این ارزیابی ایشان را به سوی ارتکاب جرم سوق می دهد. با این تحلیل لاجرم قانونگذار به سمت مجازات‌های شدید و قطعی یا دست کم کیفرهای شدید غیرقطعی حرکت می کند؛ چنان که در دو دوره اصلی قانونگذاری (پیش و پس از انقلاب) به ترتیب به همین نحو عمل شده است. در حقوق کیفری بین المللی اصل بر آن است که کشوری حق رسیدگی به جرمی را دارد که در قلمرو و سرزمین آن واقع شده باشد (۲۶).

### موارد تحدید ، تضییق و عدول از اصول حقوق کیفری و اصول اخلاقی، با تحصیل غیر قانونی دلیل، در جرایم علیه امنیت با مبنای مصلحت و ضرورت :

از دیدگاه دکترین در تحصیل دلیل ادله کیفری باید به گونه ای عمل شود که آزادی اراده افراد مخدوش نگردد ، کرامت و منزلت انسانی<sup>۱۶</sup> آنها مصون از تعرض بماند ، و مهمتر از آن شان و اعتبار دستگاه قضا حفظ شود ، ضابطان و مقامات قضایی نباید خود را به سطح بزهکاری تنزل دهند که از طریق حيله و فریب به تحصیل دلیل پرداخته و خود مرتکب عمل غیر قانونی شوند (۲۷). رواج شیوه غیر قانونی و غیر اخلاقی تحصیل دلیل در صورت استمرار موجب انفکاک حقوق و اخلاق می شود . اگر این روش بصورت قانونمند و سیستماتیک در آید سبب جدایی حقوق از سر منشاء اصلی خود ، یعنی عدالت و انصاف می شود ، روندی که از آن به «بی عدالتی قانونمند» تعبیر گردیده است (۲۸).

### نتیجه گیری

امروزه صیانت از ارزش های بنیادین جامعه ، در غالب دکترین امنیت ملی ، به ضرورتی تردید ناپذیر تبدیل شده است . در دهه های اخیر ، مقوله امنیت تا جایی اهمیت یافته که در اغلب نظام های حقوقی جهان ، چه در سطح ملی و چه در سطح فرا ملی ، مقررات و اسناد وثیقی در این ارتباط تنظیم گردیده است . جرائم علیه امنیت را می توان یکی از مهمترین عرصه های تقابل میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی قلمداد کرد. این جرائم، به دلیل خطرات و تهدیدات زیانباری که می توانند برای حاکمیت دولتها و حقوق و منافع آنها ، از جمله نظم و امنیت عمومی ، ایجاد نمایند ، از قدیم الایام و در تمامی نظام های حقوقی دنیا از اهمیت و حساسیت بسزایی برخوردار بوده اند و مقررات خاص و متفاوتی نسبت به آنها اعمال می شده است . امروزه مفهوم «حقوق شهروندی» به عنوان نقطه مقابل «حقوق حاکمیت»، جایگاه ویژه ای در عرصه حقوق بین الملل و حقوق داخلی کشورهای مختلف به ویژه در مباحث مربوط به حقوق بشر پیدا کرده است. بر پایه تفکرات موجود، یک نظام حقوقی پویا و ایده آل از یک طرف، باید مدافع حقوق شهروندی و رعایت آن باشد و از سوی دیگر، بر تحکیم پایه های حاکمیت و امنیت موجود در کشور، اصرار ورزد. در این میان، بدون هیچ



این جرائم را به شرط عدم توسل به خشونت، تخریب، جاسوسی و نظایر آنها از حقوق و مزایای مجرمان سیاسی برخوردار کرد.

### ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر کلیه ملاحظیات اخلاقی و امانت داری علمی مورد توجه قرار گرفته است .

### سپاسگزاری

از تمامی فعالیت های علمی که در جهت رشد و ترقی پیشرفت و توسعه در تمامی زمینه های تخصصی که همواره بر اساس رعایت اخلاق و مستدل علمی است تشکر به عمل می آید .

### واژه نامه

|                               |                    |
|-------------------------------|--------------------|
| 1. Social security            | امنیت اجتماعی      |
| 2.Philosophy of law           | فلسفه حقوق         |
| 3.Citizenship rights          | حقوق شهروندی       |
| 4.Criminal law                | حقوق کیفری         |
| 5. Maximalism criminalization | جرم انگاری حداکثری |
| 6.Principle of minimalism     | رویکرد حداقلی      |
| 7.Crimes against security     | جرائم علیه امنیت   |
| 8. Criminal law act           | قانون حقوق جزا     |
| 9.Public order and security   | نظم و امنیت عمومی  |
| 10.Ethical rules              | قواعد اخلاقی       |
| 11.Civil and political rights | حقوق مدنی و سیاسی  |
| 12.Ticking time bomb scenario | سناریو بمب ساعتی   |
| 13. Economic crimes           | جرائم اقتصادی      |
| 14. The punishment process    | فرایند کیفر        |
| 15.Islamic principles         | مبانی اسلامی       |
| 16.Human dignity              | منزلت انسانی       |

### References

1. Ashouri M. (2000). Criminal procedure. 2<sup>nd</sup> Vol. Tehran: Samt Publications. Pp. 110-112. (In Persian).
2. Hazrati M. (2015). The effect of servant leadership on organizational trust and empowerment of employees in public organizations. [MA Thesis]. Tehran: University of Tehran. (In Persian) .
3. Çağlar E. (2011). An integrative model of justice perceptions, employee positive Mood States and Organizational Citizenships Behavior. [MA thesis]. Ankara: Middle East Technical University.
4. Dominique L. (2011). Citizenship. In: Zalta EN. ed. The Stanford encyclopedia of philosophy. USA: Stanford University.
5. Mir Mohammad SH. (2011). Principles of public penal law analysis. 1<sup>st</sup> Ed. Tehran: Jungle Publication. Pp. 81-82. (In Persian).

تردیدی «جرائم علیه امنیت» را می توان یکی از مهم ترین و حساس ترین عرصه های چالش و تقابل میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی دانست. به دلیل اهمیت فراوان جرائم علیه امنیت و تبعات و نتایج مهلک و زیانباری که این گونه جرائم برای نظم و امنیت عمومی، استقلال و حاکمیت ملی به دنبال دارند، دولت ها در زمینه واکنش نسبت به این جرائم معمولاً در جهت تضمین حقوق حاکمیت گام برداشته و بعضاً از اصول کلی و تثبیت شده حقوق کیفری عدول می کنند. جرم انگاری اندیشه مجرمانه و اعمال مقدماتی، توسعه دامنه شمول جرائم، محروم کردن مرتکبان از تدابیر ارفاقی و حقوق دفاعی، عدول از اصل سرزمینی یا درون مرزی بودن حقوق جزا و اتخاذ رویکرد سخت گیرانه در واکنش دهی از مهم ترین مصادیق عدول از اصول کلی و تثبیت شده حقوق کیفری و اخلاقی در حوزه جرائم علیه امنیت محسوب می شوند. در حقوق کیفری ایران و نیز ، قانونگذار در جرم انگاری اعمال و اقدامات محل نظم و امنیت عمومی، گرایش نسبی به سمت تضمین حقوق و منافع حاکمیت داشته و در این راستا، بعضاً از اصول کلی و پذیرفته شده حقوق جزا عدول نموده است . در این میان شاید به توان گفت که یکی از مهم ترین عرصه هایی که قانون گذار در حوزه جرائم علیه امنیت ، حقوق حاکمیت را به حقوق شهروندی مرتکبان این جرائم ترجیح داده و از اصول کلی حقوق جزا عدول کرده ، توسعه قلمرو جرم انگاری و کاستن از شرایط لازم برای تحقق جرم و سهل تر نمودن امکان وقوع آن است ( مثل تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت ، تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت کشور ، تحریک نیرو های رزمنده ، تحریک مردم به قتل و غارت ، تهدید به بمب گذاری وسایل نقلیه و... ) بدین ترتیب ، دست کنشگران عدالت کیفری برای جلوگیری زود هنگام از ارتکاب جرائمی که نظم و امنیت عمومی ، ثبات سیاسی و حقوق حاکمیت را خدشه دار می سازد ، باز گذاشته شده است . به عبارت دیگر ، در این موارد ، مقنن به منظور حفظ اقتدار و حاکمیت ملی ، قلمرو مداخله کیفری را تا مرحله مقدماتی که اصولاً و در وضعیت عادی نباید تحت تدابیر کیفری قرار بگیرد ، توسعه داده است . به همین رو امکان مداخله زود هنگام مجریان قانون برای دستگیری مرتکبان و مجازات آنها به منظور پیشگیری از ارتکاب جرائم علیه امنیت فراهم شده است . از دید گاه دکترین در تحصیل دلیل ادله کیفری باید به گونه ای عمل شود که آزادی اراده افراد مخدوش نگردد ، کرامت و منزلت انسانی آنها مصون از تعرض بماند ، و مهمتر از آن شان و اعتبار دستگاه قضا حفظ شود ، ضابطان و مقامات قضایی نباید خود را به سطح بزهکاری تنزل دهند که از طریق حیل و فریب به تحصیل دلیل پرداخته و خود مرتکب عمل غیر قانونی شوند. حقوق کیفری و اخلاقی زمانی می تواند به رسالت خود عمل کرده باشد که بتواند بین حفظ نظم و امنیت اجتماعی از یک طرف و حقوق و آزادی های فردی از طرف دیگر توازن ایجاد کند . می توان با مشخص کردن تکلیف جرم و مجرم سیاسی در سیاست تقنینی و در نتیجه متصف نمودن برخی از جرائم علیه امنیت به وصف سیاسی، مرتکبان

18. Alam M. (2005). International standards of police conduct and state security officers. Hashemiyon Publication. Pp. 68-70. (In Persian).
19. Jessberger F. (2005). Bad torture good torture? what international criminal lawyers may learn from the recent trial of police officers in Germany. Journal of International Criminal Justice; 3.
20. Parvin K. (2008). Human rights and its impact on the national sovereignty of governments. Law Quarterly; 36(4): 111 - 135. (In Persian).
21. Rahmati A. (2014). Investigation of unfinished and obstacle crimes with emphasis on collusion crimes for committing crimes against national security. [MA Thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian).
22. Shamie M. (2013). An introduction to criminalization and detoxification. 1<sup>st</sup> Ed. Tehran: Jungle Publications: Pp.14-19. (In Persian).
23. Baccaria C. (2010). A treatise on crimes and punishments. Translated by: Ardebili MA. Tehran: Mezan Publishing .Pp.87-92. (In Persian).
24. Mohseni M. (1996). Public penal law. 1<sup>st</sup> Ed. Tehran: Ganj Danesh Publications. Pp. 56. (In Persian).
25. Falahi A. (2014). The principle of necessity in criminalization. 1<sup>st</sup> Ed. Tehran: Tehran University Publications. Pp. 178-199. (In Persian).
26. Ashouri D. (2004). Political encyclopedia. 10<sup>th</sup> Ed. Tehran: Pearl Publications. Pp. 112-113. (In Persian).
27. Tadayn A. (2007). A comparative study of the principle of legitimacy in the criminal procedure of Iran and France. [Ph.D. Thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian).
28. Allameh GH. (2010). Strategic principles of criminal law. 1<sup>st</sup> Ed. Tehran: Magazine Publication. P.118. (In Persian).
6. Majidi SM. (2007). Crime against security. 1<sup>st</sup> Ed. Tehran: Mezan Publication. P.18. (In Persian).
7. Mehdipour A, Shahrani Korani N. (2014). Criminalization security: strategies and its impact on criminal law. Journal of Criminal Law; 5(8): 1-9. (In Persian).
8. Najafi Irandabadi A. (2010). On criminology transformations: The Oxford encyclopedia of criminology. Tehran: Mezan Publication. Pp. 52-58. (In Persian).
9. Parvin K. (2008). Human rights and their impact on the national sovereignty of government's law quarterly; 36 (4): 62. (In Persian).
10. Special MR. (2008). New concept of sovereignty in public law. Journal of Political - Economic Information. 8 (12): 231. (In Persian).
11. Majidi SM. (2007). Crimes against security. 1<sup>st</sup> Ed. Mezan Publications. Pp. 24-28. (In Persian).
12. Ardebili MA. (2010). Public penal law. 1<sup>st</sup> Vol. Mydan Publishing. Pp.14-28. (In Persian).
13. Norbah R. (1989). Torture at the 1984 UN convention. Bar Association Quarterly; (8)6:148-149. (In Persian).
14. Mehrpour H. (2003). Investigating the implementation of the international system of human rights and the prevention of torture. Strategic Quarterly; (30)5:19-22. (In Persian).
15. Ranjbarian A. (2006). The rule of prohibition of torture in contemporary international law. Quarterly of Law; (70)4: 138. (In Persian).
16. Izanlou M. (2009). Freedom of thought and expression in Iranian constitutional law. Quarterly of Law and Political Science; (13)12: 36-38. (In Persian).
17. Asadi T. (2008). European court of human rights case law, emphasizing on fundamental rights. [MA thesis]. Qom: Mofid University. (In Persian).